



امامت روح دین است / پیامبر از اول رسالت بر ولایت علی(ع) تاکید داشت

ما بر اساس آیه شریفه و تفسیر مربوط به آن و منابعی که عرض شد به این باوریم که شیعه اعتقادی از عصر خود پیامبر ظهور و بروز داشته است.

ما بر اساس آیه شریفه و تفسیر مربوط به آن و منابعی که عرض شد به این باوریم که شیعه اعتقادی از عصر خود پیامبر ظهور و بروز داشته است.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر جلسه هفتم از سلسله مباحث مهدویت است که توسط حجت الاسلام سیدمحمدباقر علوی تهرانی ایراد شده است.

در جلسه قبل گفتیم تشیع اعتقادی چه زمانی پیدا شده است؟ پنج قول را ذکر کردیم که همه آن اقوال نشان می داد که پیدایش تشیع اعتقادی مربوط به بعد از وفات پیامبر است. اما بر اساس استناد به کتب اهل سنت و آنچه در منابع شیعه وجود دارد مسئله غیر از این است.

گفتیم در سال سوم بعثت پیامبر مأموریت پیدا کردند که دین را علنی و بین قوم و خویش خود تبلیغ کنند. وقتی طایفه را دعوت کردند همه آنچه لازم است بیان کردند و آنگاه فرمودند چه کسی مرا در این قضیه کمک میکند که اگر کسی مرا کمک کرد، بعد از من وصی و وزیر و... من خواهد بود. آقای ما امیرالمومنین برخواست. وقتی سه بار امیرالمومنین از جای برخواست، پیامبر فرمود: «إِنَّ هَذَا أَخِي وَ وَصِيَّيَ وَ خَلِيفَتِي فَيَكُمُ قَاسَمٌ لَّهُ وَأَطِيعُوا»؛ یعنی این برادر، وصی و جانشین من در میان شماست. سخن او را بشنوید و از او اطاعت کنید.

لذا در سال سوم بعثت پیامبر به تبعیت از علی ابن ابی طالب دعوت کرده است.

این مطلب را ابن هشام، بیهقی و طبری و ابن اثیر در کتاب های خود از عالمان سنی این مطلب را بیان کرده اند.

لذا ما بر اساس آیه شریفه و تفسیر مربوط به آن و منابعی که عرض شد به این باوریم که شیعه اعتقادی از عصر خود پیامبر ظهور و بروز داشته است.

بخش دوم بحث ما رجوع به کلمات آقایان عامه است برای اینکه ببینیم در بین روایاتشان واژه «ابن ابی طالب» را از زبان پیامبر آورده اند و این حکایت بر این معنا می کند که تشیع اعتقادی از عصر رسول گرامی بوده است. بر خلاف آن ۵ قولی که در جلسه قبل ذکر کردیم.

طبق مسلمات تاریخ دو نفر هستند که اولین کسانی اند که به وجود پیامبر ایمان آورده اند. یکی امیرالمومنین و یکی حضرت خدیجه است. این دو بزرگوار بدون اینکه از پیامبر درخواست معجزه کنند به ایشان ایمان آوردند. در کتاب وسایل الشیعه، بحارالانوار و برخی از کتب دیگر این مسئله ذکر شده است. بیان این کتاب ها این است که پیامبر وقتی رسالت خود را به حضرت خدیجه بیان کردند ایشان را مورد خطاب قرار دادند و فرمودند: «ثُمَّ قَالَ يَا خَدِجَةُ هَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاكِ وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ إِمَامُهُمْ بَعْدِي قَالَتْ صَدَقْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ بَايَعْتُهُ عَلَى مَا قُلْتَ أَشْهَدُ اللَّهَ وَ أَشْهَدُكَ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً عَلِيماً»؛ یعنی ای خدیجه! این علی است مولای تو و مولا و امام مومنین بعد از من. خدیجه فرمود: راست فرمودی ای رسول خدا! همانا من همان گونه که شما فرمودی با او بیعت کردم؛ خداوند و تو را — بر این کار-شاهد می گیرم و همانا برای شهادت خداوند گواه و دانا کفایت می کند.

تنها ویژگی ای که غدیر برای امیرالمومنین دارد، بیعت عمومی است نه اینکه بحث انتصاب آن موقع مطرح شده باشد. از اول رسالت حرف از علی ابن ابی طالب و امامت او بوده است. در آنجا ۱۲۰ هزار نفر از کسانی که از بلاد مختلف آمده بودند با امیرالمومنین بیعت کردند.

در کتاب خطط ذکر شده که سلمان فارسی می گوید با رسول خدا بیعت کردیم مبنی بر اینکه از نصیحت و ارشاد مسلمین دریغ نورزیم و پیرو و دوستدار علی(ع) باشیم. یعنی هر کسی که نزد پیامبر می رفت و می گفت می خواهم ایمان بیاورم، پیامبر رسالت خود و امامت علی(ع) را بیان می کرد. این را سلمان فارسی می گوید.

ابوسعید خدری که از اصحاب پیامبر است می گوید: *أَمَرَ النَّاسُ يَخْمَسُ فَعَمِلُوا يَأْبِغَ وَ تَرَكَوا وَاحِدَةً*; مردم به پنج چیز مأمور شدند، پس به چهار موردش عمل کردند و یکی از آن‌ها را رها نمودند، مردی به او گفت: ای ابوسعید! بگو آن چهار مورد چیست که مردم به آن عمل کردند؟ ابوسعید گفت: *الصَّلاةُ، وَ الزَّكَاةُ، وَ الصَّوْمُ، وَ الْحَجُّ*; (آن چهار مورد عبارت از: نماز، زکات، روزه و حج. آن مرد گفت آن یک موردی که مردم رهایش کردند کدام است؟ ابوسعید گفت: ولایت علی بن ابی طالب. در حالی که ولایت علی(ع) مثل آنها واجب بود. فرد سوال کننده می گوید اگر اینطور باشد که مردم کافر شده اند، ابوسعید پاسخ می دهد گناه من چیست؟

استمرار رسالت در امامت است و پیامبر همه جا می گوید من و علی(ع).

وقتی می خواهند بزرگان شیعه را نام ببرند اینگونه می گویند. مثلاً ابوذر، عمار، حذیفه، ذی الشهادتین، ابویوب انصاری و خالد ابن سعید ابن عاص، قیس ابن سعد ابن عباده، همگی به ولایت و تشیع نسبت به علی نامور و مشهور بودند و در عصر پیامبر به همه اینها شیعه علی(ع) می گفتند.

داریم شواهد این معنا را به کار می بریم که شیعه اعتقادی در عصر رسول گرامی اسلام شکل گرفته است.

در صواعق المحرقة این حجر آمده است که رسول خدا می فرماید *يا علي انك ستقدم على الله و شيعتك راضين مرضيين*; تو و شیعه تو بر خداوند وارد می شوند در حالی که خداوند از تو و شیعه ات راضی است و آنان نیز از خدا خشنودند.

ممکن است برخی از دوستان این را بشنوند که اگر عامه حق را می شناسند و بیان می کنند چرا نمی پذیرند؟

ما سه مسئله داریم، شناخت حق، بیان حق و پذیرش حق. آن بزرگواران در کتب خود از بزرگترین روایت کنندگان خود حق را شناخته اند و بیان هم کرده اند. اما پذیرش آن معطوف به یک عواملی است. پانزده مانع قرآنی برا پذیرش حق وجود دارد. اینکه برخی بگویند اگر علی(ع) حق است چرا نامشان در قرآن نیامده است، این استدلال در نهایت سستی است. به دلیل اینکه مگر ملاک پذیرش، آمدن در قرآن است؟ مگر اسم دیگران در قرآن آمده است؟ غیر از زید ابن حارثه اسم کس دیگری از اصحاب پیامبر در قرآن نیامده است.

زید هم که اسمش آمده بخاطر آن مسئله ازدواج و طلاقش بوده است.

اگر ما بخواهیم بعد از پیامبر خودمان جانشینی انتخاب بکنیم و بگوییم امامت منصبی الهی نیست، عقل می گوید چه کسی را انتخاب کنیم؟ کسی که بیشترین شباهت را به پیامبر دارد؟ کسی که شباهتی به پیامبر دارد؟ یا اصلاً شبیه پیامبر نیست؟ طبیعتاً عقل می گوید کسی را انتخاب کن که شبیه ترین فرد به پیامبر است.

چه کسی شبیه ترین فرد به پیامبر است؟ از قرآن بخواهیم جواب دهیم آیه مباحله را می گوئیم، که امیرالمومنین نفس پیامبر است. شبیه ترین فرد به استناد قرآن کریم حضرت امیرالمومنین است.

اسم امیرالمومنین در قرآن نیامده ولی در اوصاف و در مورد امامت حضرت در قرآن آیه زیاد داریم. نمی شود اینها را انکار کرد.

در کتاب صواعق از ابن حجر، پانزده آیه مطرح شده که تفسیر این آیات به شیعه برمی گردد.

ابن حجر ذیل این آیه شریفه *إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ*; از ابن عباس نقل می کند که می گوید وقتی این آیه نازل شد پیامبر خطاب به امیرالمومنین فرمودند *هو أنت و شيعتك، تأتي أنت و شيعتك يوم القيامة راضين مرضيين*;

هدفم از بیان این مطلب این است که حقیقت واژه تشیع به معنی پیرو و دوستدار علی(ع) در دوران خود رسالت پیامبر بوده است و از منابع اهل سنت این مسئله را بیان می کنم.

در همان کتاب ذیل این آیه شریفه *و لسوف يعطيك ربك فترضى*; یعنی پروردگارت در روز قیامت آنچنان به

تو اعطا می کند که تو راضی شوی، آمده است رسول خدا به امیرالمومنین فرمودند «اما ترضی أنک معی فی الجنة و الحسن و الحسین و ذریاتنا خلف ظهورنا و ازواجنا خلف ذریاتنا و شیعتنا عن ایماننا و شمائلنا؟» یعنی آیا راضی نیستی که تو با من در بهشت و حسن و حسین پشت سرما و همسران ما پشت سر آنان و شیعیان ما در طرف راست و چپ ما باشند؟

این عبارت هم از پیامبر خطاب به علی(ع) وجود دارد که می فرماید چهار نفر اولین کسانی هستند که وارد بهشت می شوند. من و تو حسن و حسین. این چهار تن را ذکر و می کند و پس از آن می فرماید «شیعتنا».

روایت دیگر می فرماید «یا علی ان الله قد غفر لک و لذریّتک و لولدک و لاهلک و لشیعتک و لمحّب شیعتک» یعنی ای علی(ع) به درستی که خدای تعالی بخشیده است فرزندان و اهل بیت تو را و شیعیان و دوستان شیعیان تو را.

روایت دیگر می گوید «انت و شیعتک فی الجنة» پیامبر خطاب به امیرالمومنین می فرماید تو و شیعیان تو در بهشت هستید این نشان می دهد که در زمان حیات پیامبر کسانی هستند که ولایت علی(ع) را پذیرفته اند. من اسم بعضی از آنها را ذکر کردم و در صدر آنها حضرت خدیجه(س) است.

از ام سلمه نقل شده که پیامبر خطاب به امیرالمومنین فرمود «انک و اصحابک فی الجنة» تو و یاران و شیعیان تو در بهشت هستید.

ملاجلال سیوطی ذیل این آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِّ» از پیامبر خطاب به امیرالمومنین نقل می کند که منظور از «خیر البریه» در این آیه تو و شیعیان تو هستید.

ابن مردویه روایت دیگری نقل کرده است که پیامبر به علی(ع) چنین فرمودند «الم تسمع قول الله إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِّ» آیا این سخن خدا را نشنیده ای که چنین فرموده است؟ بعد می فرماید «انت و شیعتک و موعدی و موعدکم الحوض، اذا جئت الامم للحساب، تدعون غرا محجلین» یعنی این تو و شیعیان تو هستید، و وعده گاه من و شما کنار حوض کوثر است، هنگامی که من برای حساب امتهای می آیم و شما دعوت می شوید در حالی که پیشانی سفید و شناخته شده اید.

بنابراین شیعه اعتقادی پیروان علی(ع) و دوستداران او هستند. یعنی دین و اعتقاد خود را از امیرالمومنین می گیرند. اینها چه زمانی پیدا شدند؟ بر خلاف آن چه در تاریخ به ما تهمت زدند، شیعه اعتقادی از دوران رسالت بوده است. وقتی ایمان آوردن خدیجه را عرض کردم روز اول رسالت است و خدیجه با امیرالمومنین در همان زمان بیعت کرد. از سلمان روایتی نقل کردیم. از تفسیر آیات در ذیل آن واژه شیعه علی(ع) به وفور در منابع اهل سنت و منابع ما ذکر شده است که ما برخی از آنها را ذکر کردیم.

ما بحث مهدویت می کنیم و در واقع می خواهیم اولاً شیعه اعتقادی را بشناسیم و بعد هویت آن را تعریف کنیم. آیا اختلاف شیعه و عامه از وضو و یا اذان است؟ ما می خواهیم بگوییم انتخاب علی(ع) در روز غدیر کمال دین است. امامت روح دین است.